

## مدرنیته، سبک زندگی جوانان ایرانی و آسیب‌های اجتماعی فراروی آن

محمد اسماعیل ریاحی<sup>۱</sup>

علی دارایی زاده<sup>۲</sup>

جامعه ایران در دهه‌های اخیر مانند همه جوامع امروزی، دچار دگرگونی در ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و ... شده است. یکی از مهم‌ترین تحولات، تغییر در سبک زندگی جوانان است که موجب شده جامعه در معرض چالش‌های جدی قرار گیرند. جوانان ایرانی به واسطه جامعه‌پذیری از طریق رسانه‌ها و وسایل جدید زندگی، پیشگامان تغییر هستند و پتانسیل لازم برای پذیرش سبک‌های زندگی جدید را دارند؛ اما این تغییر سبک زندگی به آسانی از طرف والدین جوانان مورد قبول قرار نمی‌گیرد و با مقاومت‌هایی رو به روست که بستری برای بروز آسیب‌های اجتماعی فراهم می‌کند. این مطالعه به بررسی آسیب‌های اجتماعی ناشی از سبک زندگی جوانان که به واسطه مدرنیته شکل گرفته، می‌پردازد. در این پژوهش ابتدا اطلاعات مورد نظر با استفاده از روش «اسنادی» گردآوری شد و به روش «فرا تحلیل» مورد بررسی قرار گرفت. نتایج تحقیق نشان داد که مدرنیزاسیون با سرعت و با تمام مظاهر خود در دهه‌های اخیر وارد جامعه سنتی ایران شده و نسل مقارن با این تحولات که بر اساس آموزه‌های مدرن جامعه پذیر شده‌اند، در صورت مخالفت شدید نسل‌های گذشته - که حامل سنت‌های کهن هستند - با تصمیم‌گیرهایشان برای زندگی دچار تقابل می‌گردند و این تقابل، فضا را برای بروز آسیب‌های اجتماعی فراهم می‌کند.

واژگان کلیدی: مدرنیته، سبک زندگی، جوانان و آسیب‌های اجتماعی

Email: m. riahi@umz.ac.ir

Email: alidaraizadeh@yahoo.com

<sup>۱</sup> - استادیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه مازندران

<sup>۲</sup> - کارشناس ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه مازندران

## مقدمه

در بیشتر نوشته‌های مرتبط با جوانان، جوان با مشکلات اجتماعی شناسایی می‌شود. دامنه این مشکلات متنوع است که مصرف مواد مخدر، جرم، محرومیت، عقب‌ماندگی آموزشی و بیکاری از این جمله‌اند. همه این‌ها مقوله‌ای را با عنوان مشکلات ایجاد کرده است. (کولز، ۲۰۰۳، به نقل از سعیدی، ۱۳۸۲: ۶۲) این مشکلات در کشورهایی که جوانان، ساخت اصلی جمعیت را تشکیل می‌دهند، اولویت سیاست‌گذاری‌های اجتماعی را به خود اختصاص داده است؛ (همان، ۶۲) اما برآستی، بررسی مسائل و مشکلات جوانان جوامعی که در مدار مدرنیته قرار گرفته‌اند و نیز اتخاذ و اجرای سیاست‌های موفق در این زمینه، بدون بررسی و شناخت مفاهیم مدرنیته، سبک زندگی و شناخت انتقادی موقعیت جوانان در جامعه، ناقص و عقیم باقی می‌ماند. هدف این مقاله، بررسی سبک زندگی جوانان در جامعه‌ای است که تجربه‌ای از مدرنیته را داشته‌اند. پس، نخست به شناخت جامعه مدرن می‌پردازیم، سپس با توجه به نظریات جامعه‌شناسان نسبت به سبک زندگی، ویژگی‌ها و پیامدهای ظهور مدرنیته را بررسی خواهیم کرد. در پایان، به مطالعه آسیب‌های اجتماعی که جوانان با آن روبرو هستند می‌پردازیم.

از نظر تحلیل‌گران مسائل اجتماعی، قرن بیست و یکم به دلیل وقوع تحولات جهان سوم، گسترش وسایل ارتباط جمعی و پیشرفت‌های فناوری، عصر توجه به عوامل و شرایط دگرگونی‌های اجتماعی محسوب می‌شود. تمام جوامع، چه به صورت ناگهانی و چه به صورت آرام و نامحسوس، هر روزه تغییراتی را که کم و بیش با گذشته‌شان هماهنگی دارد و طرح و مسیر مشخصی را تعقیب می‌کند، به خود می‌بینند. (روشه، ۱۳۷۵: ۴)

این مطالعه تلاش می‌کند تا سبک زندگی جوانان را که بر اثر مدرنیته به وجود آمده، با توجه به مطالعات پیشین بررسی کند و اثبات نماید که آسیب‌های اجتماعی مانند اعتیاد، تعارض با والدین، خشونت خانوادگی، فرار از خانه که جوانان با آن‌ها روبرو هستند، متأثر از سبک زندگی جدید حاصل از مدرنیته است.

## مدرنیته

بنیان‌گذاران کلاسیک جامعه‌شناسی یعنی مارکس<sup>۱</sup>، وبر<sup>۲</sup>، دورکیم<sup>۳</sup> و زیمل<sup>۴</sup> از نظریه‌پردازان مدرنیته هستند که درباره ماهیت جهان مدرن به تفکر پرداختند. جامعه مدرن با رشد صنعت، علم و فناوری توسعه‌یافته و منجر به شکل‌گیری نظام‌های دموکراتیک و ارتقای فردگرایی شده است. عده‌ای زیمل را نخستین

---

<sup>۱</sup>. Marx  
<sup>۲</sup>. Weber  
<sup>۳</sup>. Durkheim  
<sup>۴</sup>. Simmel

جامعه‌شناس مدرنیته می‌دانند. نظریات او برای درک فرهنگ مدرن و شیوه‌های گوناگون تجربه افراد دارای اهمیت بسیار است. (کیویستو، ۱۳۸۶: ۱۶۶) از نظر زیمل، تمام قید و بندهایی که جامعه سنتی داشته، به وسیله رشد فردگرایی در بستر جوامع شهری، کم‌رنگ و موجب پیدایش فردیت و بیان خود در رابطه با دیگران در قالب سبک زندگی شده است. در چنین فضایی، افراد به دنبال کسب هویت از طریق مصرف نمادین هستند. مدرنیته اغلب در مقابل سنت در نظر گرفته می‌شود و نشان‌دهنده جدایی از سنت است. اگر سنت به گذشته می‌نگرد، مدرنیته نگاهی رو به آینده دارد. فرهنگ مدرن اغلب با واژه‌هایی مانند پیشرفت، توسعه، رهایی، آزادی، رشد، روشنگری، بهبود و پیشتاز در ارتباط است. (کیویستو، ۱۳۸۶: ۱۶۷) بسیاری از این تحولات همراه با توسعه شهرها بوده‌اند. به اعتقاد گیدنز، توسعه شهرهای مدرن تأثیر شایانی نه فقط بر عادت‌ها و شیوه‌های رفتار، بلکه بر الگوهای اندیشه و احساس نیز داشته است. (گیدنز، ۱۳۸۶: ۸۲۹)

گسترش شهرنشینی همراه با خود سلسله‌مراتب اجتماعی را به همراه داشته است. این سلسله‌مراتب در اکثر موارد، دارای تحرک بیشتری نسبت به سلسله‌مراتب جوامع سنتی بوده و تابع وضعیت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است. از منظر اجتماعی و فرهنگی، شهرها محلی برای توسعه ارتباطات، آموزش و پرورش، افزایش میزان سواد و همگانی شدن آموزش بوده‌اند و منجر به شکسته شدن چارچوب‌های خشک سنتی قدیمی شده‌اند و توزیع مجدد قدرت را اغلب به نفع جوانان به دنبال داشته‌اند. البته، پیدایش ارزش‌های عقلانی و مادی‌گرا، رشد فردگرایی، اعتقاد به دگرگون کردن محیط خود، در تضاد با ارزش‌های سنتی که تقدیرگرا هستند، بوده است؛ اما این تحول همراه با مدرنیته‌سازی، تأثیرات فراوانی هم بر جامعه داشته است.

تحولات و دگرگونی‌های دنیای مدرن، متأثر از تغییر ساختارهای اجتماعی و فرهنگی است که از آن با مفهوم مدرنیته یاد می‌شود. سبک‌های زندگی نیز در بستر این ساختارها زیاد شده‌اند. در واقع، نگرش و رفتار افراد و گروه‌ها در معرض تغییرات وسیعی قرار گرفته است که حاصل دنیای جدید است. (معیدفر، صبوری و خسرو شاهی، ۱۳۹۰: ۷۳)

بررسی پیشینه‌های تجربی در زمینه سبک زندگی در ایران نشان می‌دهد که مطالعات فراوانی در این زمینه صورت گرفته است تا جایی که به گفته فاضلی (۱۳۸۲) گستردگی ابعاد و پیچیدگی موضوع موجب شده است که مرزهای محدودکننده این موضوع لغزنده و مبهم باشد و برداشت‌های متفاوتی از این موضوع و قلمرو آن به وجود آید که در بررسی‌ها قابل مشاهده است.

## سبک زندگی

سبک زندگی، یکی از مفاهیمی است که در نیمه دوم قرن بیستم مورد توجه جدی و اقبال جامعه‌شناسان قرار گرفت. سبک زندگی را می‌توان به مجموعه‌ای از رفتارها تعبیر کرد که فرد آن‌ها را به کار می‌گیرد تا نه

فقط به نیازهای جاری او برآورند، بلکه روایت خاصی را که وی برای هویت شخصی خود برگزیده است، در برابر دیگران مجسم سازد. (رحمت‌آبادی و آقابخشی، ۱۳۸۵: ۲۳۶) سبک زندگی به بیان ساده، شیوه زندگی است و دال بر الگوهای فردی مطلوب از زندگی که جهان‌بینی، نگرش‌ها و ارزش‌ها، عادات، وسایل زندگی و همچنین الگوهای روابط اجتماعی، اوقات فراغت و مصرف را در بر می‌گیرد. سبک زندگی اغلب بیانگرانه است و شخص را به محیط پیرامونش معرفی می‌کند؛ این بدان معناست که سبک زندگی از طریق چهره‌ها (انتخاب لباس‌ها و رفتارها)، اعمال و کردارها (انتخاب فعالیت‌های فراغتی یا انتخاب وسایل زندگی و حتی گزینش دوستان) بیان می‌شود. (گیبیز و بوریمر، ۱۳۸۱: ۱۰۴)

با الهام از این سنت فکری، این پژوهش در تداوم پژوهش‌های قبلی به دنبال بررسی مسائل در بین جوانان و بعضی عوامل موثر بر آنها بر حسب عوامل اجتماعی و به طور ویژه مفاهیم مدرنیته و سبک زندگی است. از آنجا که جوانان بزرگ‌ترین سرمایه‌ها و پویاترین نیروهای هر جامعه در مسیر سازندگی و رسیدن به رشد و تعالی آن جامعه می‌باشند و میزان موفقیت هر جامعه در گذر از عقب‌ماندگی و رسیدن به توسعه‌یافتگی، از روی میزان مشارکت نسل جوان آن جامعه در عرصه‌های مختلف سازندگی ارزیابی می‌گردد، و نیز با توجه به این مسئله که امروزه مشکلات جوانان، به یکی از مهم‌ترین دل‌نگرانی‌های جوامع بشری تبدیل شده است، شناخت هر چه بیشتر جوانان و آشنا شدن با ویژگی‌های آنان می‌تواند زمینه‌ساز رشد آن جامعه باشد. اهمیت این پژوهش در این نکته نهفته است که با شناخت علل و زمینه‌های مختلف پیدایش مشکلات جوانان، می‌توان راهکارهایی علمی و عملی مفید و کارآمد جهت پیشگیری و کاهش این‌گونه رفتارها ارائه نمود. در عصر جدید، از یک سو پیشرفت علم و فناوری و گسترش روزافزون اطلاعات شرایط زندگی را تسهیل کرده است و از سوی دیگر، تحولات سریع اجتماعی، تفسیر سبک زندگی و پیچیدگی‌های زندگی امروزی، آرامش روانی انسان‌ها را مورد تهدید قرار داده، مشکلات جدیدی پیش روی بشریت فرا نهاده و آسیب‌پذیری انسان‌ها را افزایش داده است. (رستمی، ۱۳۸۸: ۵)

در این بین، جوانان بیشتر از سایر گروه‌های اجتماع در معرض این آسیب‌پذیری قرار دارند. با توجه به اهمیتی که جوانان به عنوان "نیروی انسانی و آینده‌سازان جامعه" دارند، متأسفانه شاهد مشکلات و ناهنجاری‌هایی مانند اعتیاد، ناسازگاری‌های اجتماعی و ... در بین آنان هستیم. بررسی این مسائل از لحاظ خانوادگی نیز دارای اهمیت است؛ زیرا این مشکلات، انسجام و یکپارچگی خانواده را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد و این امر به نوبه خود زمینه‌ساز ناسازگاری و اختلاف میان والدین و جوانان می‌شود که محیط گرم و صمیمی خانواده را به محیط پرتنش و اضطراب تبدیل می‌نماید. پس، برای حاکمیت آرامش و امنیت خاطر و روابط سالم خانوادگی، شناخت عوامل و مسائل جوانان حائز اهمیت است.

## مبانی نظری

دورکیم از جمله اندیشمندانی است که در کتاب «درباره تقسیم کار» با ارائه نظریه‌ای تکاملی، ویژگی‌های جامعه مدرن را در تقابل با جامعه سنتی تحلیل می‌کند. از نظر او، جامعه سنتی مبتنی بر نظام خانواده و خویشاوندی است و ساختاری تمایز نیافته دارد. فرهنگ مشترک دینی بر آن حاکم است و از انسجام بالایی برخوردار است، اما چندان مجالی به تجربیات فردی نمی‌دهد. به موازات تکامل جوامع، به مدرنیته غربی می‌رسیم که نقطه عطفی در تکامل بشری است. این جامعه دارای ساختار اجتماعی به طور کامل تمایز یافته‌ای است که بر اساس تقسیم کار و تخصصی شدن به وجود آمده است. در این جامعه، منابع انسجام‌بخشی سنتی کارکرد خود را از دست داده‌اند، با این وجود جامعه نه تنها از هم نمی‌پاشد، بلکه از طریق وابستگی متقابل (چه در سطح نهادی چه در سطح فردی) قوام می‌یابد. در این جامعه، دامنه فرهنگ مشترک به شدت کاهش می‌یابد و مجال زیادی برای آزادی افراد وجود ندارد، به نحوی که فردگرایی محصول اجتناب‌ناپذیر چنین جوامعی است - لازم به ذکر است که دورکیم با فردگرایی لجام‌گسیخته مخالف است و می‌خواهد نشان دهد که فرد باید در درون چارچوبی اخلاقی و اجتماعی باشد تا بتواند در برابر بسیاری از آسیب‌ها مصون بماند. (دورکیم، ۱۳۷۸ به نقل از جمشیدی‌ها و قلی‌پور، ۱۳۸۹) دورکیم، مدرنیته را به اصطلاحی که ناظر بر تجربه‌های تاریخی و فرهنگی غربی است، محدود می‌کند (میرسپاسی، ۱۳۸۴: ۲۲) و اعتقادی به مدرنیته‌های چندگانه ندارد؛ در صورتی که الان مدرنیته به پدیده‌ای عالم‌گیر تبدیل شده است و خصیصه عمده آن تحولات سریع، عمیق، دائمی و گسترش‌یابنده است. (گیدنز، ۱۹۹۰؛ هال، ۱۹۹۶؛ بودلر، ۱۹۶۴؛ باومن، ۱۳۷۹ به نقل از جمشیدی‌ها و قلی‌پور، ۱۳۸۹: ۸۶) بدین ترتیب، دورکیم معتقد است که به علت تفاوت ویژگی‌های جوامع سنتی و مدرن، این جوامع آسیب‌های اجتماعی خاص خود را دارند؛ اما دیدگاه او درباره مدرنیته و ارتباط آن با آسیب‌های اجتماعی در جوامع غیر غربی با چالش جدی روبروست.

مارشال برمن<sup>۱</sup> به شیوه متمایزی از دیگر نظریه‌پردازان، به تجربه مدرنیته در جوامع غیر غربی پرداخته است. دیدگاه او این امکان را به دست می‌دهد که بتوان در مورد مدرنیته‌های متفاوت اندیشید. برمن، مدرنیته را رویدادی تجربی و عملی می‌داند که در زندگی روزمره رخ می‌دهد و به طور قطع مبتنی بر تجارب غربی نیست. او در این زمینه می‌گوید:

"امروزه وجه خاصی از تجربه حیات، تجربه زمان و مکان، نفس و دیگران، تجربه امکانات و خطرات زندگی وجود دارد که مردان زنان سراسر جهان در آن شریک‌اند. من این مجموعه یا بدنه از تجارب را مدرنیته می‌نامم. محیط‌ها و تجارب مدرن، تمامی مرزهای جغرافیایی و قومی، طبقاتی و ملی، دینی و ایدئولوژیکی را درمی‌نوردند. در این معنا می‌توان گفت که مدرنیته کل نوع بشر را وحدت می‌بخشد؛ اما این

<sup>۱</sup> Marshall Berman

وحدتی معما وارو تناقض آمیز است - وحدتی مبتنی بر تفرقه. این وحدت همه را به درون گرداب فروپاشی و تجدید حیات مستمر می‌افکند، گرداب مبارزه و تناقض، ابهام عذاب." (برمن، ۱۳۸۰: ۱۴)

برمن، مدرنیته را میانجی مدرنیسمیون و نوگرایی می‌داند: "مدرنیسمیون، مجموعه‌ای از برنامه‌های اقتصادی، اجتماعی، صنعتی شدن، شهرنشینی و کاربرد فناوری در زندگی روزمره است. این مجموعه از تغییرات با نگرش فرهنگی به نام نوگرایی همراه است که در آن بر فردگرایی، دمکراسی، برابری و تعاملات باز تأکید می‌شود. بدین ترتیب، مدرنیته تجربه‌ای است که در آن فرد و یا جامعه‌ای نسبت خود را با این دو مشخص می‌سازد. اگر جامعه‌ای فقط به بعد فنی و مدرنیسمیون تکیه کند و توجهی به پیش فرهنگ آن نداشته باشد، مدرنیته در آن جامعه «به اشکالی سراپا کج و کوله، مقطعی، به نام وضوح نافرجام یا بسیار مسخ شده و مخدوش به وقوع می‌پیوندد." (برمن، ۱۳۸۰: ۲۱۲) برمن در بحثی با عنوان "مدرنیته توسعه نیافتگی" استدلال می‌کند که کشورهای جهان سوم، فقط بر مدرنیسمیون شتاب زده و از بالا که از جانب دولت هدایت می‌شود، تأکید دارند و اغلب با مؤلفه‌های نوگرایی مقابله می‌کنند و این امر آن‌ها را با تناقضات و مشکلات زیادی روبرو می‌سازد. آنها سعی می‌کنند ظواهر جوامع مدرنیته را داشته باشند و همزمان میراث سنتی خود را حفظ کنند. غافل از اینکه تحت شرایط جدید، انسان‌هایی با ذهنیت‌های جدید در این جوامع رشد می‌کنند که نمی‌توانند مانند سابق از سنت‌ها تبعیت کنند. مدرنیته از طریق ابزارهای رسانه‌ای که در اختیار دارد، تجربیات فردی را تبلیغ می‌کند، در همان حال سنت نیز این تجربیات را سرکوب می‌کند و این تضاد بستری است برای آسیب‌های اجتماعی. (جمشیدی‌ها و قلی‌پور، ۱۳۸۹: ۸۸)

سبک زندگی، اصطلاحی است که در فرهنگ سنتی چندان کاربرد ندارد، چون ملازم با نوعی انتخاب از میان تعداد کثیری از امکان‌های موجود است. سخن گفتن از کثرت انتخاب نباید به این پندار بیانجامد که در همه انتخاب‌ها به روی همه افراد باز است یا آن که همه مردم تصمیم‌های مربوط به انتخاب‌های خویش را به آگاهی کامل از کلیه امکانات موجود بر می‌گزینند؛ چرا که در عرصه کار، مصرف و اوقات فراغت برای همه گروه‌هایی که از قید فعالیت‌های سنتی آزاد شده‌اند، انتخاب‌های گوناگونی در زمینه سبک زندگی وجود دارد. (گیدنز، ۱۳۸۲: ۱۲۱)

در ادبیات جامعه‌شناسی از مفهوم سبک زندگی دو برداشت و مفهوم‌سازی وجود دارد: یکی مربوط به دهه ۱۹۲۰ که سبک زندگی، معرف ثروت و موقعیت اجتماعی افراد و به شکل گسترده‌ای به عنوان شاخص تعیین طبقه اجتماعی به کاررفته است (چاپین، ۱۹۹۵؛ چاپمن، ۱۹۳۵، به نقل از مجدی و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۳۲) و دوم، به عنوان شکل اجتماعی نوینی که تنها در متن تغییرات مدرنیته رشد فرهنگ مصرف‌گرایی معنا می‌یابد. (گیدنز، ۱۹۹۱، بوردیو، ۱۹۸۴، فدرستون، ۱۹۸۷ و لش، ۱۹۹۱، به نقل از مجدی و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۳۲) بدین صورت است که سبک زندگی، راهی است برای تعریف ارزش‌ها و نگرش‌ها

و رفتارهای افراد که اهمیت آن برای تحلیل‌های اجتماعی روزبه‌روز افزایش می‌یابد. (اباذری و چاوشیان، ۱۳۸۱: ۶)

ماکس وبر، بیش از هر جامعه‌شناس کلاسیک وارد بحث‌های مربوط به سبک زندگی شده است. ماکس وبر در بحث از گروه‌های منزلت، در اثرش با عنوان «جامعه و اقتصاد، ۱۹۷۸» به این موضوع می‌پردازد. پیش از ماکس وبر، کارل مارکس بر این اعتقاد بود که موقعیت طبقاتی یک شخص، تنها با میزان دستیابی با ابزار تولید جامعه تعیین می‌شود. وبر، در مقابل معتقد است که مفهوم مارکس از طبقه اجتماعی، کل داستان تعیین مرتبه شخص در جامعه را بازگو نمی‌کند. پس وی، دو عامل پرستیژ (پایگاه) و قدرت (نفوذ سیاسی) را به طبقه اجتماعی اضافه می‌نماید. از نظر وبر، درحالی‌که طبقه، بعد عینی زندگی اجتماعی است که به وسیله پول و دارایی تعیین می‌شود، پایگاه بعد ذهنی، رتبه‌بندی اجتماعی است که شامل میزان عزت و احترامی می‌شود که یک شخص در نزد دیگران دارد. از نظر وبر، اعضای یک گروه منزلت که از شرایط مادی، پرستیژ، تحصیلات و نفوذ سیاسی مشابهی برخوردارند، دارای سبک زندگی مشابهی هستند. افراد دارای پایگاه اجتماعی و اقتصادی بالا، از سبک زندگی متفاوتی در مقایسه با افراد پایین یا وسط هرم اجتماعی برخوردارند. (مسعودنیا، ۱۳۸۹: ۲۵۰) به نظر وبر، اداره زندگی و فرصت‌های زندگی، دو مؤلفه اساسی سبک زندگی است. اداره زندگی به انتخاب‌هایی اشاره دارد که افراد در گزینش سبک زندگی‌شان دارند. (کاکرهام، ۲۰۰۰: ۱۶۱) وبر فرصت‌های زندگی را به عنوان مطلق فرصت مورد توجه قرار نمی‌دهد، بلکه آن‌ها را فرصت‌هایی می‌داند که افراد به دلیل موقعیت اجتماعی‌شان از آن‌ها برخوردارند. (کیوان‌آرا، ۱۳۸۶: ۶۶) از نظر دارندورف<sup>۱</sup> (۱۹۷۹) منظور وبر از فرصت‌های زندگی، امکان رسیدن به رضایت در زمینه علائق، خواسته‌ها و نیازهاست. به بیان دیگر، فرصت‌های زندگی، به امکان دستیابی به یک سبک زندگی خاص اشاره دارد؛ یعنی، شخص به منظور حفظ یا تقویت سبک زندگی خود باید دارای منابع مالی، پرستیژ، حقوق و روابط اجتماعی باشد. (مسعودنیا، ۱۳۸۹: ۲۵۰)

مهم‌ترین سهم وبر از مفهوم‌سازی سبک زندگی، تقابل دیالکتیک بین انتخاب‌ها و فرصت‌هاست؛ به طوری که اگر هر یک از این‌ها دیگری را از بین ببرد، می‌تواند در نتیجه سبک زندگی موثر باشد. این بدان معناست که افراد سبک زندگی خود را انتخاب می‌کنند و فعالیت‌هایی را که مشخصه آن است انجام می‌دهند، اما انتخاب‌های آن‌ها به وسیله موقعیت اجتماعی آن‌ها تحت تأثیر قرار می‌گیرد. (کاکرهام و دیگران، ۱۹۹۷: ۳۲۴) به نظر گیدنز نیز جهت‌گیری جامعه‌شناسی معاصر به سمت پذیرش اهمیت رو به افزایش حوزه مصرف و فعالیت‌های سبک زندگی در شکل دادن به هویت شخصی و جمعی است. (رحمت‌آبادی و آقابخشی، ۱۳۸۵: ۲۳۸) آنتونی گیدنز توصیف می‌کند که مدرنیته به دلیل پویایی و تأثیر جهانی‌اش و نیز میزان عادات و آداب و رسوم سنتی از بین رفته، متفاوت‌تر از اشکال قبلی، یک حالت اجتماعی است. در نتیجه مدرنیته، در

<sup>۱</sup>. Dahredorf

نهایت به تنوعی از فرصت‌ها و انتخاب‌های زندگی ارتقا می‌یابد که در دیدگاه گیدنز، هیچ فرهنگی چنین فرصت و انتخابی را در کل از بین نمی‌برد. (کاگرهام، ۲۰۰۰: ۱۶۳) با این وصف، سنت یا عادات و رسوم جا افتاده، بر حسب تعریف، زندگی را در محدوده شبکه‌هایی که به طور نسبی از پیش تعیین شده به جریان می‌اندازد. از سوی دیگر، مدرنیته، فرد را در روی تنوع پیچیده‌ای از انتخاب‌های ممکن قرار می‌دهد و به دلیل آن که دارای کیفیت غیر شالوده‌ای است، چندان کمکی به فرد ارائه نمی‌دهد تا وی را در گزینش‌هایی که باید به عمل بیاورد، یاری کند. این امر پیامدهای گوناگونی به دنبال دارد که یکی از این پیامدها به اهمیت یافتن سبک زندگی و اجتناب‌ناپذیر بودن آن برای فرد عامل مربوط می‌شود. البته سخن گفتن از کثرت انتخاب‌ها نباید به این پندار بیانجامد که در همه انتخاب‌ها به روی همه افراد باز است، یا این که مردم همه تصمیم‌های مربوط به انتخاب‌های خویش را با آگاهی کامل از کلیه امکانات موجود اتخاذ می‌کنند. گزینش یا ایجاد سبک‌های زندگی تحت تأثیر فشار گروه‌ها و الگوهای رفتاری آن‌ها و همچنین زیر نفوذ اوضاع و احوال اجتماعی و اقتصادی صورت می‌گیرد. (گیدنز، ۱۳۸۲: ۱۱۹) بدین ترتیب، گیدنز از تأثیر منابع خارجی بر روی افراد و گزینه‌های سبک زندگی آن‌ها غفلت نمی‌کند و نقش و مسئولیت‌ها و فشارهای گروهی را تحت شرایط اجتماعی و اقتصادی مورد انتقاد قرار می‌دهد. پیام اصلی وی این است که سبک‌های زندگی نه تنها نیازهای ضروری را کامل می‌کنند، بلکه اطلاعاتی را در مورد هویت فرد از خود شکل می‌بخشند. لذا گیدنز وضعیتی را انتخاب می‌کند که در آن سبک‌های زندگی در بین محدودیت‌ها و فرصت‌های ارائه شده توسط موقعیت اجتماعی فرد بیان شده است و فرد مجبور به سازگار کردن خود با ساختار انعطاف‌پذیر سبک‌های زندگی و خود هویتی‌اش است. این انعطاف‌پذیری در وضعیت تغییر حاصل از انقلاب و رشد اجتماعی، در مرحله بعدی مدرنیته گنجانیده شده است. (کاگرهام، ۲۰۰۰؛ به نقل از قاسمی و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۸۶)

بورديو، سبک زندگی را نتیجه قابل رویتی از ابزار عادت می‌داند. از نظر او همه چیزهایی که انسان را احاطه کرده است، مثل مسکن، اسباب و اثاثیه، کتاب‌ها، سیگارها، عطرها، لباس‌ها و غیره بخشی از زندگی او می‌باشند. (پالومتس، ۱۹۹۸ به نقل از مجدی و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۳۳) طبیعی است که تفاوت‌های سبک زندگی بین گروه‌ها، همان‌گونه که بورديو به تأکید می‌گوید در واقع، شکل‌های ساختاری مقدماتی برای گروه‌بندی‌های اجتماعی هستند. بورديو در کتاب تمایز<sup>۱</sup> (۱۹۸۴) خاطر نشان می‌سازد که مدرنیته، میل به تمایز دارد: میل به تکوین منش‌های متمایز، از یک سو و میل به تکوین میدان‌های متمایز، از سوی دیگر. بنابراین، بورديو با هرگونه اندیشه انتزاعی خداحافظی کرده و با درک و دریافتی نوآیین نسبت به واقعیت اجتماعی، به تبیین کنش در قالب نظریه عمل می‌پردازد. (جمشیدی‌ها و پرستش، ۱۳۸۶: ۶۰) همچنین وی در کتاب تمایز، بر حسب منطق دیالکتیکی نشان داده است که مصرف، فقط راهی برای نشان دادن تمایزات

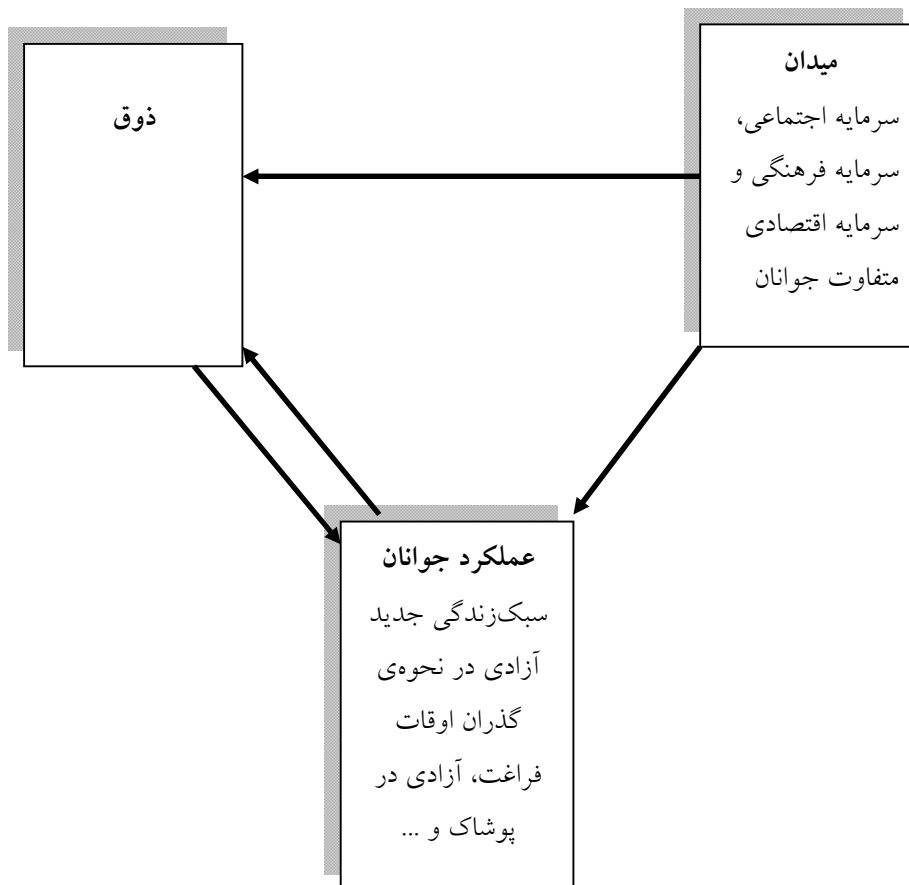
<sup>۱</sup>. Distinction



نیست، بلکه خود راهی برای ایجاد تمایزات نیز هست. مفهوم تمایز، به معنی مجموعه‌ای متفاوت از رفتارها و سبک‌های زندگی افراد جامعه است که به دلیل موقعیت‌های متفاوت در برخورداری از سرمایه و قرار گرفتن در میدان‌های اجتماعی گوناگون ظاهر می‌شود. (فکوهی، ۱۳۸۴: ۱۴۶) بدین ترتیب، در دیدگاه بوردیو، سبک زندگی محصول نظام‌مند کنش‌هایی است که از خلال رابطه دوجانبه با رویه‌های منش درک می‌شود و تبدیل به نظام نشانه‌هایی می‌گردد که به گونه‌ای جامع مورد ارزیابی واقع می‌شود. در واقع، این‌گونه که بوردیو می‌گوید، مصرف به عنوان نظامی از نشانه‌ها و نمادهاست که کارکردهایی همچون تمایز گذاری اجتماعی دارد؛ البته به نظر بوردیو، معنای مصرف از همین تفاوت و تمایز ناشی می‌شود و چیزی جز آن نیست. از این رو، در دیدگاه بوردیو، مصرف تنها پاسخ به نیازهای زیستی نیست، بلکه به عنوان سازوکاری از نشان‌ها و نمادهاست که به نوبه خود، از خلال فرآیند مصرف تولید می‌شوند. در اندیشه بوردیو برخلاف مارکسیسم کلاسیک، مصرف تنها یک متغیر وابسته نیست، بلکه یک متغیر مستقل نیز می‌تواند باشد. (بوردیو، ۱۳۹۰، به نقل از ابراهیمی و بهنوئی گدنه، ۱۳۸۸: ۱۴۱) بوردیو بر رابطه دیالکتیکی میان زمینه و منش تأکید می‌کند و برای اجتناب از تعارض عینیت‌گرایانه و ذهنیت‌گرایانه، بر عملکرد تأکید می‌کند که به نظر او، پیامد رابطه دیالکتیکی میان ساختار و عاملیت است. (ریتزر، ۱۳۸۴: ۷۱۶)

به اعتقاد بوردیو، از طریق عملکرد افراد در زمینه، منش با زمینه ارتباط پیدا می‌کند و عملکرد، واسطه منش با زمینه است. منش از طریق عملکرد ساخته و زمینه در نتیجه عملکرد آفریده می‌شود. درحالی‌که عملکرد به شکل بخشیدن منش گرایش دارد، منش نیز عملکرد را ایجاد کرده و آن را وحدت می‌بخشد. (ریتزر، ۱۳۸۴: ۷۲۲) منش اصولی را فراهم می‌سازد که آدم‌ها بر پایه آن‌ها گزینش می‌کنند. منش در بیشتر فعالیت‌های عملی‌مان، مانند شیوه خوردن، راه رفتن، صحبت کردن و ... خود را نشان می‌دهد. (همان: ۷۲۳) به نظر بوردیو، رابطه میان منش و زمینه به دو صورت عمده عمل می‌کند: از یک سو، زمینه، منش را مشروط می‌سازد و از سوی دیگر منش، زمینه را به عنوان پدیده معنی‌داری مطرح می‌کند که منطق و ارزش دارد و به سرمایه گذاری انرژی می‌ارزد. (ریتزر، ۱۳۸۴: ۷۲۶) طبق نظریه بوردیو، بنا به تجارب متفاوتی که نسل‌های مختلف از موقعیت و جایگاه خود بر حسب سرمایه‌های فرهنگی و اقتصادی دارند- با این که همه متعلق به یک میدان می‌باشند- تفاوتی بین آن‌ها پیدا می‌شود که نتیجه آن، تغییر میدان اجتماعی است. (توکل، ۱۳۸۵: ۱۱۹) بر این اساس، نمونه مطالعه حاضر را بدین صورت می‌توان ترسیم نمود:

شکل ۱: نمونه مفهومی-تجربی تحقیق



بورديو نیز همانند گيدنز نظرش بر اين است که با اين که افراد سبک‌های زندگی شان را خود انتخاب می‌کنند، اما در اجرای اين سبک‌ها آزادی کامل ندارند. آن‌ها در راستای اصلاح چنین گزینه‌هایی می‌باشند، ولی بورديو طوری روند کنترل را انتخاب کرده که گزینه‌های یک عامل در کل ملازم با عادت افراد باشد. سبک زندگی تحت نفوذ قوی ساختار (فرصت زندگی) بر روی عادت واره است که انتخاب‌های سبک زندگی از آن مشتق می‌شوند. انتخاب و مشارکت در یک سبک زندگی ویژه، تحت تأثیر فرصت‌های زندگی است. بنابراین، بورديو نشان می‌دهد که انتخاب‌های سبک زندگی نه تنها محدود می‌شوند، بلکه حتی به وسیله فرصت‌های زندگی نیز شکل می‌گیرند. (ویلیامز، ۱۹۹۵: ۵۸۵)

### روش پژوهش

در این پژوهش، گردآوری اطلاعات مورد نظر با استفاده از روش «اسنادی» بوده است و برای بررسی موضوع به روش «فراتحلیل» در مطالعات و پژوهش‌های موجود پرداخته‌ایم.

### یافته‌ها پژوهش

نتایج نشان‌دهنده این است که تحولات فرهنگی در جامعه و خانواده ایرانی اتفاق افتاده است. شرایط فعلی جامعه ایران موجب شده که بحث مدرنیته، تحولات فرهنگی و اجتماعی، تغییر سبک زندگی و تغییر ارزش‌ها و هنجارها در جامعه مورد توجه محققین قرار بگیرد. (عبدی و گودرزی ۱۳۷۴، تیموری ۱۳۷۷،

یافته‌های پژوهش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان ۱۳۸۰ و ۱۳۸۲، معیدفر ۱۳۸۳، نریمانی ۱۳۸۳، آزاد و غفاری ۱۳۸۳، فاضلی ۱۳۸۴، جلیلونند ۱۳۸۵، ذکایی ۱۳۸۶، به نقل از معیدفر و صبوری خسروشاهی، ۱۳۹۰: (۶۹)

تحولات رخ داده در دهه‌های اخیر نشان می‌دهد که جوانان در جریان وسیع اطلاعات قرار گرفته‌اند و تبادل اطلاعات آنان با دنیای پیشرفته در حال تغییر، موجب پیدایش پی در پی ارزش‌های نو گردیده است تا جایی که با نظریه‌ها و دیدگاه‌های جدید آشنا شده‌اند و به همان میزان، سطح انتظارات و توقعات آنان افزایش یافته است. (معیدفر، ۱۳۸۷: ۱۹۵) این تحولات در چند دهه اخیر موجب شده است که خانواده‌ها و به ویژه جوانان در معرض چالش‌های جدی قرار بگیرند؛ چالش‌هایی که به نظر می‌رسد شکل سنتی خانواده را زیر سؤال برده‌اند. رشد تحصیلی جوانان، افزایش استفاده از رسانه‌های نوین نظیر اینترنت و ماهواره و نیز دسترسی به اطلاعات گسترده، اشتغال زنان، آزادی‌های نسبی، حق انتخاب، تغییر سبک زندگی افراد و همچنین تغییر گروه مرجع از جمله زمینه‌های بروز چالش در جامعه و خانواده‌هاست. مهم‌ترین چالشی که خانواده امروزی با آن روبروست، دگرگونی سریع هنجارها و ارزش‌های خانوادگی میان جوانان و والدین است تا جایی که می‌توان صحبت از هنجارهای رقیب در کنار هنجارهای سنتی کرد. این هنجارهای رقیب که منشأ بروز بسیاری از آسیب‌ها در خانواده‌ها می‌باشند، در زمینه‌هایی چون: نحوه همسرگزینی، شیوه دوست‌یابی، روش گذران اوقات فراغت، رابطه با جنس مخالف، نگرش و رفتار دینی و انتخاب در مصرف کالاهای فرهنگی به چشم می‌خورند. (معیدفر و صبوری خسروشاهی، ۱۳۹۰: ۷۰) از آن جایی که جوانان - با توجه به استفاده از رسانه‌ها و وسایل جدید زندگی - پیشگامان تغییر هستند و پتانسیل لازم را برای پذیرش سبک زندگی جدید دارند، پیامدهای تغییر سبک زندگی آنان بازتاب بیشتری خواهد داشت.

جامعه ایران در مسیر تغییراتی قرار دارد که چشم‌انداز و دامنه آن چندان که باید روشن نیست. هر کس که در جامعه ایران زندگی می‌کند، کم و بیش حسی از دگرگونی دارد و این تجربه - خواه خوشایند و خواه ناخوشایند - را به صورت‌های گوناگون بیان می‌کند. قضاوت‌هایی که درباره جوانان در بحث‌های پیرامون سبک زندگی یا گزارش‌های پژوهشی ابراز می‌شود، به شکلی کلی ناظر بر تغییراتی است که در گرایش به نوگرایی و تجددگرایی ریشه دارد؛ به عبارت دیگر، تغییرات و تحولاتی که در غرب با عنوان "مدرنیته" روی داده، پیامدهایی را از طریق دنیای اطلاعات و ارتباطات برای سایر نقاط جهان در پی داشته است. از آنجا که تمامی این تحولات، درونی نیست و در جوامعی که وارد می‌شود، فرهنگ‌سازی قبلی انجام نشده است، بحران‌هایی را در زندگی مردم به وجود می‌آورد که جامعه ایران نیز از آن مستثنی نبوده است.

بخشی از جامعه ایران، اکثر سنت‌های خود را پشت سر گذاشته‌اند، ولی جای پای نیز در فرهنگ نوین پیدا نکرده‌اند. مدرنیته هنوز با سنت‌ها و شیوه زندگی برخی از ایرانیان هماهنگ نشده و تناسب چندان هم با آن

ندارد. «در غرب سنت‌ها حذف شدند و مدرنیته در همه سطوح مستقر شد. مدرنیته چتر جامعه شد و سنت‌های جدیدی در آن خلق گردید. در بعضی کشورها نیز سنت‌ها به حوزه خصوصی وارد شده و حوزه عمومی متعلق به مدرنیته شد»؛ (آزادارمکی، ۱۳۸۰: ۸۱) اما در میان اکثر جامعه ایران، سنت‌ها نه تنها از بین نرفته‌اند، بلکه حضور فعال‌تری در کنار مدرنیته یافته‌اند. عرصه عمومی محل حضور سنت و مدرنیته به طور همزمان است. در این جوامع، سنت هنوز از بین نرفته و مدرنیته هم حضور فراگیر پیدا نکرده است. این دو نه تنها پیوند و رابطه ارگانیکی باهم ندارند، بلکه در مواردی حتی باهم ناسازگارند. آگاهی فرد در چنین شرایطی میان آن دو پاره می‌شود؛ «سنتی که گرفتار ابهام شده است... و مدرنیته‌ای که هنوز مدرن نیست، یعنی در ساختار روانی فرد و جامعه، درونی و نهادی نشده است». (جهانبگلو، ۱۳۷۹: ۲۵) در چنین فضایی است که باید بروز پدیده تعارضات و آسیب‌های سبک زندگی جوانان را مطالعه کرد.

بیشتر والدین جوامع در حال گذار، جامعه‌پذیری خود را در دنیای سنتی طی کرده‌اند. آن‌ها بر اساس سنت‌هایی بزرگ شده‌اند که دارای قدمت زیادی بودند. همه چیز از قبل مشخص و معین بود. کسب فضیلت آنان از طریق سرسپردگی و اطاعت از بزرگ‌ترها بود و در کل، فرایند جامعه‌پذیری آنان بیشتر تحت تأثیر سنت بود. از این رو، تناقضی در زندگی آنان به وجود نیامد و چندان دچار مسئله نشدند، اما نسل فرزندان و جوانان این والدین، دارای شرایط متفاوت‌تری نسبت به والدین خود بودند و به دلیل تجربه جامعه‌پذیری و سبک زندگی متفاوت، مستعد آسیب‌های اجتماعی شدند.

بدین ترتیب، مدرنیته آرام آرام شرایط تولد «انسان معضله‌داری» را فراهم آورد که قائل به تجارب فردی، انتخاب سبک زندگی دلخواه، آزادی در انتخاب لباس، آزادی در ابراز عقاید، آزادی در مدیریت بدن، آزادی در نحوه گذران اوقات فراغت و مواردی از این قبیل بود. انسان حاضر یاد گرفته بود که کسب فضیلت همیشه از طریق خوار شمردن نفس و پیروی محض از سنت آبا و اجدادی به دست نمی‌آید، بلکه از طریق خلاقیت و نوع آوری نیز دست یافتنی است. (جمشیدیها و قلی‌پور، ۱۳۸۹: ۹۷) جوانان امروزی اغلب در محدودیت‌های شدید خانوادگی به سر می‌برند و آخرین پناهگاه خود یعنی خانواده را نیز از دست داده‌اند؛ چرا که خانواده متناقض کنونی، فرزندانش را با آموزه‌های مدرن بار می‌آورد، ولی او را بر اساس سنت‌های گذشته مورد قضاوت قرار می‌دهد- تناقضی که از یک تغییر بزرگ (مدرنیته) نشأت می‌گیرد. هر نوع تغییر زندگی، اعم از ناگهانی یا همراه با مقدمات تدریجی، همیشه در حکم نوعی بحران دردناک است، زیرا با غرایزی که تا آن زمان برای بشر حاصل شده با خشونت برخورد می‌کند. (دورکیم، ۱۳۸۱: ۲۱۳) در این صورت است که جوانان سبک زندگی متفاوتی را نسبت به والدین خود انتخاب می‌نمایند؛ به طوری که شیوه پوشش و آرایش، الگوهای گذران اوقات و فراغت، الگوی تغذیه و شیوه بهداشتی و ... آنان متفاوت از والدینشان است.

## بحث و نتیجه گیری

در دهه‌های اخیر فرایند مدرنیزاسیون، از بالا به شیوه‌ای ناگهانی وارد جامعه ایران شد و در کمتر از چند سال، با تمام مظاهر فرهنگی‌اش در جامعه ما نمود پیدا کرده است. گرچه مدرنیته با خود آسایش، آبادانی، رفاه و ابزارهای ارتباطی آسان به همراه داشت، اما نابسامانی و تناقض‌های زیادی نیز خلق کرد. نسل مقارن با این تغییرات، در معرض جریان وسیع اطلاعات رسانه‌ای قرار گرفتند و آگاهی‌های آنان در دنیای جدید رو به دگرگونی، موجب پیدایش ارزش‌هایی نو و سبک زندگی جدید شد. این کنشگران جوان، به طور ناخودآگاه، چیزهایی را درباره حقوق فردی، آزادی در انتخاب لباس، نحوه گذران اوقات فراغت، آزادی در انتخاب همسر و آزادی در ارتباطات در درون فرهنگی آموختند که نسل‌های پیشین اعتقادی به آن نداشتند. هنگامی که کنشگران جوان می‌خواستند بر اساس آموزه‌هایشان عمل کنند، متوجه شدند که ارزش‌ها و سبک زندگی آن‌ها با ارزش‌های والدینشان در تضاد است و زمینه بروز برخی آسیب‌های اجتماعی فراهم آمد.

در پایان، باید گفت که راهکاری آنی برای کاهش مشکلات یاد شده، وجود ندارد، زیرا این موضوع پدیده‌ای فرهنگی است و تغییر آن به سادگی ممکن نیست و نیاز به گذر زمان دارد. با این همه، نتایج برخی پژوهش‌ها نشان داده است در صورتی که والدین در برخورد با فرزندان خود شیوه تعامل و تساهل را در پیش گرفته باشند، از میزان تعارض میان آن‌ها کاسته شده است. به عبارت دیگر، اتخاذ شیوه‌های دموکراتیک‌تر از سوی والدین، اثر کاهنده‌ای در تضادهای خانوادگی داشته است. پس، مطلوب آن است که والدین برای ایجاد تفاهم و تعامل متقابل با جوانان، از خود صمیمیت، همدلی و همکاری بیشتری نشان دهند و در مقابل، فرزندان هم همراهی بیشتری با والدین داشته باشند.

امروزه، نهاد خانواده و رسانه نقش بسیار مهمی در انتقال ارزش‌ها به جوانان دارند. در دوران معاصر که فراگیری اطلاعات و فرایند جهانی شدن، شرایط خاصی را برای جوانان به وجود آورده، ایجاد همسویی و تفاهم هر چه بیشتر در میان سه عامل خانواده، رسانه و آموزش و پرورش، تاثیر بسزایی در انتقال ارزش‌ها به نسل جوان دارد؛ چنانکه رسانه‌ها می‌توانند با تولید برنامه‌هایی نظام مند، مشکلات اجتماعی جوانان را در تعارض با سنت و مدرنیته نشان دهند و با ایجاد فهم بیشتر از این تعارض‌ها، انعطاف‌پذیری در برابر آنها را آموزش دهند.

- ابادری، یوسف و چاوشیان، حسن (۱۳۸۱) «از طبقه اجتماعی تا سبک زندگی». نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۰.
- ابراهیمی، قربانعلی و بهنوئی گدنه، عباس (۱۳۸۹) «سبک زندگی جوانان: بررسی جامعه‌شناختی سبک زندگی و مؤلفه‌های آن در بین دختران و پسران شهر بابلسر». فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات. سال ۶، شماره ۱۸.
- آزادارمکی، تقی (۱۳۸۰) مدرنیته ایرانی: روشنفکران و پارادایم فکری عقب‌ماندگی در ایران. تهران: دفتر مطالعاتی-انتشاراتی اجتماع
- برمن، مارشال (۱۳۸۶) تجربه مدرنیته. مراد فرهادپور. تهران: نشر طرح نو
- توکل، محمد (۱۳۸۵) «شکاف نسلی در رویکردهای کلان جامعه‌شناختی: بررسی و نقد رهیافت‌های نسل تاریخی و تضاد با تأکید بر نظرات مانهایم و بوردیو». نامه علوم اجتماعی. شماره ۲۷.
- جمشیدی‌ها، غلامرضا و پرستش، شهرام (۱۳۸۶) «دیالکتیک منش و میدان در نظریه پیر بوردیو». نامه علوم اجتماعی.
- جمشیدیها، غلامرضا و قلی‌پور، سیاوش (۱۳۸۹) «مدرنیته و خودکشی زنان و دختران لک». مجله بررسی مسائل اجتماعی ایران. سال اول، شماره اول.
- جهانگللو، رامین (۱۳۷۹) گفت‌وگوهای رامین جهانگللو: ایران و مدرنیته، گفت‌وگوهایی با پژوهشگران ایرانی و خارجی در زمینه رویارویی با دستاوردهای جهان مدرن. حسین سامعی. تهران: نشر گفتار
- دورکیم، امیل (۱۳۸۱) درباره تقسیم کار اجتماعی. باقر پرهام. تهران: نشر مرکز
- رحمت آبادی، الهام و آقابخشی، حبیب (۱۳۸۵) «سبک زندگی و هویت اجتماعی جوانان». فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی. سال پنجم، شماره ۲۰.
- رستمی، مجید (۱۳۸۸) «بررسی عوامل درون مدرسه ای و برون مدرسه ای موثر بر رفتارهای پر خطر دانش آموزان دوره متوسطه نظری و مهارتی استان بوشهر». آموزش و پرورش استان بوشهر.
- ریشه، گی (۱۳۷۵) تغییرات اجتماعی. منصور وثوقی. تهران: نشر نی
- ریتزر، جورج (۱۳۸۴) نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر. محسن ثلاثی. تهران: انتشارات علمی
- سعیدی، علی اصغر (۱۳۸۲) «جامعه مصرفی و جوانان». مجله مطالعات جوانان. سال اول، شماره ۵.
- فاضلی، محمد (۱۳۸۲) مصرف و سبک زندگی. قم: نشر صبح صادق
- فکوهی، ناصر (۱۳۸۴) «پی‌یر بوردیو: پرسمان دانش و روشنفکری». مجله علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد.
- قاسمی وربانی، وحید، ربانی خوراسگانی، رسول و علیزاده اقدم، محمدباقر (۱۳۸۸) «تعیین‌کننده‌های ساختاری و سرمایه‌ای سبک زندگی سلامت‌محور». مسائل اجتماعی ایران. سال شانزدهم، شماره ۶۳.
- کیوان‌آرا، محمود (۱۳۸۶) اصول و مبانی جامعه‌شناسی پزشکی. اصفهان: دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی اصفهان
- کیویستو، پیتر (۱۳۸۶) اندیشه‌های بنیادی در جامعه‌شناسی. منوچهر صبوری، نشر نی

- گیبینز، جان و بوریمر (۱۳۸۱) سیاست پست مدرنیته. منصور انصاری. نشر گام نو
  - گیدنز، آنتونی (۱۳۸۲) تجدد و تشخص (جامعه و هویت شخصی در عصر جدید). ناصر موفقیان. تهران: نشر نی
  - گیدنز، آنتونی (۱۳۸۶) جامعه‌شناسی (با تجدید نظر کامل و روزآمد شده). حسن چاوشیان. نشر نی
  - مجدی، علی‌اکبر و صدرنبوی، رامپور و بهروان، حسین و هوشمند، محمود (۱۳۸۹) سبک زندگی جوانان ساکن شهر مشهد و رابطه آن با سرمایه فرهنگی و اقتصادی والدین. مجله علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی.
  - مسعودنیا، ابراهیم (۱۳۸۹) جامعه‌شناسی پزشکی. انتشارات دانشگاه تهران.
  - معیدفر، سعید (۱۳۸۷) مشکل استقلال جوانان و تأثیر آن در نگرش‌های سیاسی آنان. مجموعه مقالات و گفت و گوها «امروز و فردای جوان ایرانی»، انتشارات موسسه تحقیقات و توسعه انسانی.
  - معیدفر، سعید و صبوری خسروشاهی، حبیب (۱۳۹۰) «تعارض والدین با فرزندان در سبک زندگی». فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی. شماره ۷.
  - میرسپاسی، علی (۱۳۸۴) تأملی در مدرنیته ایرانی. جلال توکلیان. تهران: نشر طرح نو
- Cockrham, W. C. & Rutten, A. & Abel, T. (1997) « **Conceptualizing Contemporary Health Lifestyles, Moving Beyond Weber.** The sociological Quarterly.»38(2)
  - Cockrham, W. C. (2000) **The Sociology Of Health Behavior and Health Lifestyles.** London: Prentice Hall college
  - Williams, S. J. (1995) **Theorizing Class, Health and Lifestyles: Can Bourdieu Help Us.** Sociology of Health & Illness.7 (5).

## **Modernization of Iranian Youth Lifestyle and Social Pathology**

**Mohammad Ismail Riahi**

Assistant professor in Social Sciences, Mazandaran University

**Ali Daraei zadeh**

Student of master degree in Sociology, Mazandaran University

Like other developing countries, the society of Iran is under variation in social, economical and cultural aspects. Changing in youth life style is one of the important variations that made a huge challenge in society Iran. Because of sociability of Iranian youth in media and new domestic appliances, they are pioneers of these changes, and have requirement potential for acceptance of new lifestyle. This metamorphosis in lifestyle is easily rejected by their parents. So they resist upon this change, and this contrast causes social damages. this survey studies the social pathology of youth lifestyle that is an account of modernization. In this research we gathered required information by documentation method, at first, and then we surveyed this data by meta-analyses method. The result of the research revealed that all aspects of modernization have entered rapidly in traditional society of Iran. And people who are contemporary with current changes became sociable with mother experiences. Those carry the past traditions when they are making their decisions for their life. So this contrast made the society vulnerable to social damage.

**Key words:** Modernity, Lifestyle, Social damages and Youth